

### Farabi

ابونصر محمد معروف به فارابی در ۲۵۸ ق در فاراب خراسان به دنیا آمد و در ۳۳۹ ق در دمشق وفات یافت. فارابی فیلسوفی پرکار بود و در عمر طولانی و با برکت خود، آثار بی‌بدیل فراوانی را که همگی به زبان عربی، به شیوه ایجاز، و در علوم و صناعات گوناگون نوشته شده‌اند، از خود به یادگار گذاشته است (میرزامحمدی، ۱۳۹۳: ۷). به‌طور کلی می‌توان این آثار را در پنج محور: منطق، مابعدالطبیعه، سیاست و اخلاق، طبیعیات و... تقسیم‌بندی کرد. انتخاب و معرفی اثر خاصی از فارابی کار بسیار مشکلی است اما از میان این آثار، می‌توان به کتاب‌های *آراء اهل مدینه فاضله*، *سیاست مدینه*، *الجمع بین رایى الحكیمین*، *الحروف*، *فصوص الحکم*، *احصاء العلوم*، و *التنبیه علی السبیل السعاده* اشاره کرد.

گسترده‌گی اندیشه فارابی حکایت از آن دارد که وی از محضر اساتید بزرگی بهره‌مند شده است. خط اصلی تفکر فارابی به‌منزله فیلسوفی ایرانی مسلمان و شیعه، آموزه‌های راستین دین مبین اسلام و مکتب تشیع است. در عین حال، وی فیلسوف بزرگی بود که از این منظر متأثر از فیلسوفان نامداری مانند افلاطون و ارسطو است. فارابی در آراء و اندیشه‌های اجتماعی بیشتر متأثر از افلاطون، و در اخلاق و دانش‌شناسی بیشتر متأثر از ارسطو است. فارابی در منطق شاگرد دو استاد بزرگ به نام‌های یوحنا بن حیلان، و متی بن یونس، و در نحو نیز شاگرد ابن سراج، و ابوسعید سیرافی است.

فارابی پیشرو فلسفه اسلامی است و بدون تردید رد پای اندیشه‌های بلند وی، در نظریه‌های تمام فلاسفه اسلامی به روشنی پدیدار است. در این معنا، تمام فیلسوفان مسلمان، شاگرد فارابی هستند. از میان همه این شاگردان، ابن سینا جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا به راستی می‌توان وی را

بزرگ‌ترین شاگرد فارابی دانست که توانسته است بسیاری از موضوعاتی را به کمال برساند که فارابی در فلسفه اسلامی آغاز کرده است.

### مبانی اندیشه فلسفی

#### هستی‌شناسی

در فلسفه فارابی جهان به دو بخش «ما فوق قمر» و «مادون قمر» تقسیم می‌شود. وی در ورای محرک نخست، که خداوند است، ده عقل را معرفی کرد که تا عقل نهم، هر یک مدبر فلکی است و عقل دهم که «عقل فعال» است، به عالم مادون قمر می‌پردازد و نقش او سامان دادن به عالم کون و فساد است. آنچه در مرتبه نخست است، واحد است و نمی‌تواند کثیر باشد، ولی مراتب بعدی، همه کثیر هستند (فارابی، ۱۹۶۴: ۳۱). براساس نظریه فیض، همه موجودات از مبدأ نخست، که «سبب اول» است، صادر شده‌اند. نظریه فیض از طریق آموزه‌های نوافلاطونی وارد فلسفه فارابی شده است. وی با وارد کردن نکات بنیادی و مسائل اساسی، توانست این نظریه را رنگ و بوی اسلامی ببخشد و در ارتباط با بحث واجب الوجود و ممکن الوجود، وحدت و کثرت و حدوث و قدم تحولات مهمی در آن به وجود آورد.

#### معرفت‌شناسی

فارابی معرفت حقیقی را علم به برترین چیزها، از طریق بهترین علم‌ها می‌داند. برترین چیزها برای فارابی، ذات مقدس باری تعالی است، پس بهترین موضوع و مرتبه برای شناخت، خداوند و ویژگی‌های اوست. در مرحله نازل‌تر، شناخت اشیاء است (فارابی، ۱۹۹۱: ۹۸). فارابی در دو کتاب *سیاست مدینه* (فارابی، ۱۹۶۴: ۲۸۳-۲۸۱)، و آراء، به تبیین معیارهای معرفت صحیح پرداخته است. به نظر وی، معرفت انسانی باید از ثبات و پایداری برخوردار باشد، قابل اکتساب، انتقال، و واقعی باشد یعنی حدس و گمان نباشد. در نظام معرفت‌شناسی فارابی، طیفی وسیع، جامع و کاملی از

انواع معرفت موجود است. به‌طور کلی انواع معرفت در فلسفه فارابی شامل حسی، عقلی، و اشراقی است.

#### معرفت حسی

فارابی حواس انسان را دروازه کسب معرفت می‌داند. وی گستره حواس را وسیع می‌دید و آن را شامل حواس ظاهری و باطنی می‌دانست. حواس ظاهری از نظر فارابی شامل حواس پنجگانه است. این حواس نمی‌توانند معانی مجرد را ادراک کنند. حواس باطنی از نظر فارابی قادر به حفظ و نگه‌داری ادراک صور در داخل نفس، پس از زوال محسوسات است. البته حواس باطنی نیز مانند حواس ظاهری صور مجرد را ادراک نمی‌کنند، بلکه صوری را ادراک می‌کنند که عین با چگونگی‌های کمی باشند (فارابی، ۱۹۹۶: ۱۴۹-۱۵۳).

#### معرفت عقلی

فارابی در رساله *فی المعانی العقل* (۱۹۰۷)، معانی گوناگونی را برای عقل برمی‌شمارد: عقل از دیدگاه عامه، عقل از دیدگاه متکلمان، عقل فطری، عقل تجربی، عقل نظری (این عقل سه مرتبه هیولانی یا بالقوه، بالملکه یا بالفعل، و مستفاد دارد). عقل فعال، جزء عقول بشری نیست، بلکه دهمین عقل در سیر صعودی عقول ده‌گانه است و در عالم مافوق قمر قرار دارد. عقل فعال، فیوضات را از مبدأ اول دریافت و به جهان مادون قمر افاضه می‌کند.

#### معرفت اشراقی

تأکید فراوان فارابی به نقش عقل در کسب معرفت، ممکن است این ذهنیت را به وجود آورد که وی فیلسوفی تماماً عقلی و به قولی «مشایی» است. در حالی که در حقیقت این گونه نیست. فارابی از یک سو در مقام فیلسوف به معرفت اکتسابی معتقد است که از راه حس و عقل به دست می‌آید

و از طرف دیگر در مقام سالک طریق الی‌الله، به معرفت شهودی و علم حضوری معتقد است که از راه افاضه عقل فعال و فیض الهی به دست می‌آید (میرزامحمدی، ۱۳۹۴) فصوص الحکم اثر اشراقی و عرفانی فارابی است.

#### ارزش‌شناسی

محور فلسفه فارابی را می‌توان در بخش ارزش‌شناسی وی جست‌وجو کرد. غایات فلسفه این فیلسوف بزرگ، رساندن انسان به «سعادت» است. دیدگاه ارزش‌شناختی فارابی را می‌توان در دو بخش اخلاق و زیبایی‌شناسی دنبال کرد:

اخلاق در فلسفه فارابی با سه اصطلاح سعادت، فضیلت، و خیر تعریف و تبیین می‌شود. فارابی در رساله *التنبیه* (فارابی، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۹) سعادت را غایت مطلوبی می‌داند که همه انسان‌ها مشتاقانه خواهان آن هستند و با تلاش خویش، به سوی آن حرکت می‌کنند. وی در *فصول منتزعه* (فارابی، ۱۳۸۱: ۳۲) فضیلت را هیئت‌های طبیعی و استعدادهایی می‌داند که در وجود آدمی، گرایش به صفات نیکو دارند. فارابی در *تعلیقات* (فارابی، ۱۳۷۹: ۵۰) خیر را غایتی می‌داند که هر چیزی شوق حرکت به سوی آن را دارد و خواهان آن است و با کمک آن به مرتبه و حقیقت وجودی خود می‌رسد. به‌طور کلی، نزد فارابی سعادت، فضیلت، و خیر، هر کدام انواع و مراتب گوناگونی دارد و برای رسیدن به آنها عوامل و شرایطی لازم است که از جمله مهم‌ترین این عوامل، تعلیم و تربیت است (میرزامحمدی، ۱۳۹۳).

زیبایی‌شناسی نیز مانند اخلاق جایگاه مهمی در فلسفه فارابی دارد. توجه ویژه وی به قوه تخیل و خیال زمینه را برای پرداختن به این زمینه فراهم کرده است. از میان ابعاد گوناگون زیبایی‌شناسی، فارابی توجه خاصی به موسیقی دارد و در این زمینه، دست به تألیف موسیقی کبیر می‌زند (فارابی، ۱۳۷۵). فارابی موسیقی را استعدادی می‌داند که شامل دو بعد عملی و نظری است. از نظر معلم ثانی، ظهور و بروز این

## اصول

براساس مبانی سه‌گانه تربیتی فارابی، می‌توان اصول تربیتی وی را شامل موارد زیر دانست (میرزامحمدی، ۱۳۹۳: ۹۰-۹۷):

### ولایت مداری

ریاست اجتماع فاضل در اندیشه فارابی، در حکم نبی و امام است. وی در حقیقت معلم و مربی بزرگ جامعه اسلامی است. براین اساس، مردم مسلمان ایشان را ولی خود می‌دانند. فارابی پایه‌گذار فلسفه سیاسی در جهان اسلام است. در این فلسفه، محور تصمیم‌گیری همان ولی است که در نقش «پیامبر - قانون‌گذار» ظاهر می‌شود (Butterworth, 1996: 2, 15).

### هدایت‌گری

وظیفه اصلی ریاست اجتماع فاضل اسلامی، ایجاد زمینه لازم برای هدایت مردم به سوی سعادت دنیوی و اخروی است.

### تعلیم و تربیت همگانی

هر فردی برای اینکه بتواند به‌خوبی از عهده نقش خود برآید باید از آموزش و پرورش لازم برخوردار شود.

محبت. رابطه میان ریاست اجتماع فاضل و مردم از یک سو و مردم با یکدیگر از سوی دیگر مبتنی بر احترام، عشق‌ورزی و محبت است.

کمال‌طلبی. کمال‌جویی انسان، در فلسفه فارابی به‌منزله ویژگی‌ای بالقوه مطرح است و به فعلیت رسیدن آن در گرو تعلیم و تربیت است.

تفاوت‌های فردی. ظرفیت‌های آدمی برای نیل به درجات گوناگون کمال، متفاوت است. تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند باتوجه به زمینه‌های متفاوت افراد، هر یک را به زمینه خاصی هدایت کند.

ترکیب نظر و عمل. آدمی باید راه‌های رسیدن به سعادت را

استعداد، مستلزم تمرین مستمر است تا به عادت تبدیل شود.

## تعلیم و تربیت

### جایگاه و تعریف

فارابی در وهله نخست فیلسوف تعلیم و تربیت نبوده و به‌طورمستقیم به این زمینه نپرداخته است، اما آثار و اندیشه‌های وی به‌ویژه در حوزه اجتماع و اخلاق زمینه بسیار مناسبی برای استنتاج اندیشه‌های ناب تربیتی است. با مطالعه آثار فارابی، می‌توان مشاهده کرد که معلم ثانی، به‌جای واژه تربیت، از برخی واژگان دیگر مانند «تعلیم، تأدیب، تسدید، تقویم، تهذیب و تمرین» استفاده کرده است. تعریف هر یک از این اصطلاحات، در این مجال ممکن نیست و خوانندگان می‌توانند به منابع مربوط در این زمینه مراجعه کنند (میرزامحمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

### مبانی

به‌طورکلی مبانی تعلیم و تربیت فارابی را می‌توان به اعتقادی، اجتماعی، و اخلاقی تقسیم کرد (میرزامحمدی، ۱۳۹۳: ۸۸-۷۶). به‌طورکلی فارابی فیلسوفی مسلمان است و نظام فلسفی وی به‌طورکامل رنگ خدایی دارد. براین اساس، مهم‌ترین مبنای فلسفه تربیتی فارابی را می‌توان مبنای اعتقادی دانست. ازسویی، در نظر فارابی انسان موجودی اجتماعی است و به‌طور اساسی تعلیم و تربیت در منظومه فکری وی ذیل علم‌الاجتماع مطرح می‌شود. مبنای تشکیل و تداوم مدینه فاضله نیز تربیت صحیح مردم است. در مبنای اخلاقی نیز فارابی راز رسیدن انسان به سعادت را تعلیم و تربیت می‌داند. انسان در نظر او موجودی است که کمال وی متأخر از وجودش است و برای رسیدن به کمال بایستی که به تربیت روی آورد.

روان موردنظر اوست. براین اساس، فارابی هم به تربیت جسمانی و هم تربیت روانی توجه داشته است و برای هر دو برنامه دارد.

**تعاون.** فارابی، شرط تشکیل مدینه فاضله را، همکاری اعضای مدینه با یکدیگر می‌داند.

### برنامه و روش

فارابی، نخستین دانشمند اسلامی است که به طبقه‌بندی جامع علوم پرداخته است و براین اساس به عرضه نظام علمی جامعی اقدام کرده است. طبقه‌بندی علوم فارابی و نظام علمی وی، بر جهان بینی فلسفی و علمی او مبتنی است و براساس نظام سلسله مراتبی هستی است. فارابی در آثار گوناگون خود مانند *تحصیل السعادة، فضیلة العلوم، و التوطئة فی المنطق*، علوم را تصنیف و مرتب کرده است. اما کامل ترین برنامه درسی فارابی، کتاب *احصاء العلوم* است که به راستی می‌توان آن را دایرةالمعارف علوم نامید. معلم ثانی در این اثر، در بستر مکتب اسلامی، دست به ابداع دانش‌شناسی جدید می‌زند و منظومه کاملی از علوم را عرضه می‌کند (میرزاحمدی، ۱۳۹۲، ب: ۱۷۴).

فارابی در خصوص معلم و شاگرد به صورت تخصصی به بحث می‌پردازد و برای آنها ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد. وی در رساله *آراء برای معلم*، ۱۲ ویژگی فطری و ۶ ویژگی اکتسابی در نظر می‌گیرد. معلم ثانی در رساله *تحصیل السعادة* برای شاگرد نیز ۹ خصوصیت برمی‌شمارد. فارابی روش‌های آموزشی گوناگونی را برای تعلیم و تربیت مردمان مدینه (شاگردان) در نظر می‌گیرد که به طور کلی می‌توان آنها را به دو بخش اصلی و فرعی تقسیم‌بندی کرد (میرزاحمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۰-۱۲۳): روش‌های اصلی یکی روش اقناعی است که مخصوص عامه مردم مدینه بود تا خطیبان با تدبیر و وعظ و اندرز، مردم را قانع و فرهنگ عمومی و فضایل و ارزش‌های اخلاقی را در آنان ایجاد و ترویج کنند؛ و دیگری

به‌درستی بشناسد و براساس آنها عمل کند. در فلسفه فارابی، کسب شناخت، وظیفه قوه ناطقه نظری و عمل براساس آن شناخت، وظیفه قوه ناطقه عملی و سایر قوا به‌ویژه قوه متخیله است.

**عادت.** فارابی تخلق به خلق جمیل را نیازمند عادت می‌داند. عادت، ملکه‌شدن عملی بر اثر تکرار و ممارست است. وقتی عملی به صورت عادت درآمد، زایل شدن آن غیرممکن و یا لااقل مشکل است.

تدریج. از نظر فارابی رسیدن به کمال و سعادت برای انسان باید به تدریج در طول زندگی و با توجه به مقتضیات زمان، و رعایت شرایط و محدودیت‌های فردی صورت پذیرد.

### اهداف

هدف غایی تعلیم و تربیت فارابی رساندن انسان به سعادت است (میرزاحمدی، ۱۳۹۲، الف: ۱۴۶) وی سعادت را مانند پیوستاری می‌داند که شروع آن از طریق زندگی در مدینه فاضله ممکن می‌شود، و نهایت آن در آخرت و پیوستن به خداوند است که همانا سعادت حقیقی است. فارابی رسیدن به سعادت حقیقی را نیز مستلزم تربیت صحیح می‌داند. براساس این هدف غایی، اهداف واسطه‌ای تعلیم و تربیت فارابی را می‌توان شامل این موارد دانست (میرزاحمدی، ۱۳۹۲، الف: ۱۵۰-۱۴۸):

**اعتدال.** به نظر فارابی عمل صالح، عملی است که در حد اعتدال باشد، زیرا افراط برای نفس و بدن مضر است (فارابی، ۱۹۹۱: ۴۷).

**تعقل.** به نظر فارابی شناخت خداوند و مخلوقات او، مستلزم تعقل است. وی انسان را صاحب قوه ناطقه می‌داند و این قوه را رئیس تمام قوای بدن می‌داند. قدرت تعقل با وجود این قوه ممکن است.

**سلامت.** برای فارابی، رسیدن به هدف غایی تعلیم و تربیت، در گرو سلامت فرد است. سلامت هم در جسم و هم در

فارابی

روش برهانی است که مخصوص فیلسوفان و اندیشمندان طراز اول جامعه و کسانی است که با علوم نظری سرو کار دارند. روش‌های فرعی شامل گفت‌وگو، مشاهده و شنیدن است.

روش قانع‌سازی برای عامه؛ و بی‌توجهی به تربیت برخی مردم.  
شرح مفصل این زمینه‌ها در اینجا ممکن نیست. بنابراین فقط به ذکر عناوین آنها اکتفا می‌شود و خوانندگان می‌توانند به منابع مربوط مراجعه کنند.

**منابع :**

داوری اردکانی. رضا (۱۳۷۷). *فارابی مؤسس فلسفه اسلامی*. تهران: انتشارات طرح نو.

الفارابی، ابونصر (۱۹۶۴) *السیاسة المدنیة: الملقب بمبادئ الموجودات*، تحقیق فوزی متری نجار، بیروت: مطبع الكائنو لیکیه.

فارابی، محمدبن محمد (۱۳۷۹) *تعلیقات*، تحقیق جعفر آل یاسین. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

فارابی، محمدبن محمد (۱۳۸۱) *فصول المتزعة*، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی. تهران: انتشارات سروش.

الفارابی، محمدبن محمد (۱۹۰۷) *رسالة فی المعانی العقل*، تحقیق محمدامین الخانجی. قاهره: مطبعة السعادة.

الفارابی، ابونصر (۱۹۹۱) *آراء اهل المدينة الفاضلة*، تحقیق البید نصری نادر. بیروت: دارالمشرق.

فارابی، محمدبن محمد (۱۳۷۵) *موسیقی کبیر*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فارابی، محمدبن محمد (۱۳۸۹) *احشاءالعلوم*، ترجمه حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فارابی، محمدبن محمد (۱۳۹۰) *التنبیه علی سبیل السعادة*، ترجمه نواب مقرئ. تهران انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

الفارابی، محمدبن محمد (۱۴۰۳) *تحصیل السعادة*، تحقیق جعفر آل یاسین،

فارابی مؤسس فلسفه اسلامی است (داوری اردکانی، ۱۳۷۷). این فیلسوف بزرگ، با نزدیک کردن فلسفه و دین به یکدیگر، اهتمام به تأسیس نظامی فلسفی کرده است. در این خصوص، فارابی برای قوه متخیله انسان بار معرفتی قائل شده و معتقد است که حد کمال این قوه، دریافت وحی است. پیامبر و امام ضمن اینکه در حد اعلائی کمال قوه عقل نظری هستند (یعنی فیلسوف به‌شمار می‌آیند)، قادر به دریافت وحی نیز هستند. اینجا می‌توان به نبوغ فارابی در نزدیک کردن فلسفه و دین، و تأسیس فلسفه اسلامی پی‌برد.

گستره فعالیت، اندیشه، و آثار فارابی بسیار وسیع است. در حوزه اجتماع، وی برای نخستین بار در عالم اسلامی به طراحی مدینه فاضله می‌پردازد و ریاست آن را به پیامبر و امام می‌سپارد. در حوزه علم، برای نخستین بار به احصاء و طبقه‌بندی علوم مبادرت می‌کند، و در حقیقت معلم ثانی لقب می‌گیرد. در اخلاق راه سعادت را که مبتنی بر آموزه‌های الهی اوست بر انسان نمایان می‌کند.

می‌توان از منظر تعلیم و تربیت نیز، فارابی را در بسیاری از زمینه‌ها ممتاز و بی‌بدیل دانست که از جمله آنها می‌توان به این عناوین اشاره کرد: تأکید بر آموزش و پرورش آزاد؛ پیوند نظریه و عمل تربیتی؛ اهمیت تخیل در تعلیم و تربیت؛ عرضه نظامی از برنامه درسی؛ و توجه به تعلیم و تربیت غیر رسمی.

البته به اندیشه‌های تربیتی فارابی می‌توان ایراداتی نیز وارد دانست که از جمله آنها می‌توان به این عناوین اشاره کرد: تمرکز بر کلیات و کم‌توجهی به مصادیق عملی و اجرایی تعلیم و تربیت؛ تقسیم‌بندی مردم اجتماع به دو دسته نخبگان و عامه؛ اختصاص روش استدلال برای نخبگان و

فارابی

بیروت: دارالاندلس.

الفارابی، محمدبن محمد (۱۹۹۶) *فصوص الحکم*، تحقیق محمدامین

الخانجی، مصر: مطبعه السعاده.

میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۹۲، الف) «مبادی و غایات فلسفه فارابی

و دلالت‌های آن در اهداف تعلیم و تربیت اسلامی»، *فصلنامه*

*اندیشه‌های نوین تربیتی*، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه

الزهرا، دوره ۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۳.

میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۹۲، ب) «بررسی نظریه شناخت فارابی و

دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت (با تأکید بر برنامه درسی)»، *فصلنامه*

*تربیت اسلامی*، دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۸،

شماره ۱۶، صص ۱۸۵-۱۶۳.

میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۹۴) «مبادی معرفت‌شناختی فارابی در

رساله *فصوص الحکم* و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن»، *فصلنامه*

*مبانی تعلیم و تربیت*، سال ۵، شماره ۱.

میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۹۳) *فلسفه تربیتی فارابی*. تهران: انتشارات

دانشگاه شاهد.

Chambliss, J.J. (ed) 1996 "Alfarabi", Butterworth.C.E  
*Philosophy of education: an encyclopedia*. New York &  
London: Garland publishing.

محمدحسن میرزاحمدی (عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد)